

جایگاه کار در زندگی انسان

حسین جمالی زاده*

چکیده

با تأمل در منابع اصیل اسلامی درمی‌یابیم اسلام به کار و تلاش بهای زیادی می‌دهد، تأثیر و نقش آن را در زندگی مادی و معنوی بشر جدی می‌داند و آن را رکنی از ارکان حیات می‌شمارد که اگر مختل شود در سایر شئون نیز اثر می‌گذارد. به عبارت دیگر، اسلام تلاش برای امرار معاش و نیز کار در راه تولید برای رفع نیاز خود و دیگران را وظیفه‌ای می‌شمارد که موجب قرب خداوند و از عوامل مهم تأمین‌کنندهٔ سعادت در دنیا و آخرت است و سیرهٔ معصومان و تمامی انبیا، اولیا و صالحان نیز مؤید آن است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کلیدواژه‌ها: اقتصاد، مالکیت، کار، کاپیتالیسم، ثروت.

* عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور جیرفت.

کار در لغت به معانی زیر آمده است (معین، ۱۳۵۲ش و عمید، ۱۳۶۳ش): شغل، عمل، فعل، آنچه که از شیء یا شخص صادر شود، حرفه، کشت و زرع، آنچه که کرده شود یا آنچه باید انجام شود که مسئولیت انجام دادنش با شخص باشد، آن فعالیتی که برای به دست آوردن مزد یا پاداش انجام شود که نام دیگرش شغل است، آن فعلی که با مشقت همراه باشد، آنچه که به خدا نسبت داده نشود، حرکت تمام بدن یا قسمتی از بدن و گاهی حرکت‌های قلبی و باطنی و فکری. همچنین کار در مقابل قول و گفتار می‌آید یا آنچه از شخص یا چیزی صادر شود و آنچه شخص خود را بدان مشغول سازد (نفیسی، ۱۳۴۳ش) که الفاظ دیگرش عمل و فعل و شغل است (داعی الاسلام، ۱۳۶۳ش). نیز به امر، شأن، اقدام، رفتار و کردار، کار می‌گویند و این کلمه تعریب شده و به معنی هنر، شغل، وضع، حالت و پیشه نیز آمده است (دهخدا، ۱۳۷۹ش). راغب در مفردات گفته هر فعلی که با اراده از حیوان صادر شود کار است (پس کار از فعل محدودتر است).

در تعریف کار گفته‌اند کار مشغله‌ای است که انسان با صرف نیروی بدنی یا فکری خود برای تولید کالایی یا انجام خدمتی تصدی می‌کند. نیز گفته‌اند کار تصرف، دخالت، ایجاد تغییر و تکمیل (یا تخریب) در روند طبیعی اشیا و مواد، توسط انسان برای تأمین نیازهای مادی خود است. البته بررسی کار از هر دیدگاهی تعریف جدیدی دارد.

کار از دیدگاه علم اقتصاد

برای کار در مفهوم اقتصادی تعاریفی ذکر شده که از نظر وسعت متفاوت است (قرشی: ۱۳۳). در جایی کار این گونه تعریف شده است: تلاش اختیاری انسان برای تبدیل و تغییر یک ماده به شیئی به قصد ارضای خواسته و نیاز خود یا دیگران. پس مفهوم عام اقتصادی کار این است که کسی تلاش یا حرکتی انجام دهد که به موجب آن، چیزی مورد رغبت دیگران قرار گیرد به طوری که در ازای آن حاضر به پرداخت وجهی باشند. این معنای عام کار، شامل کار تولیدی کارگری است که در کارخانه یا روی زمین کشاورزی کار می‌کند

و تغییر در ماده‌ای می‌دهد، اما گاهی تغییری در ماده داده نمی‌شود بلکه کار صرفاً جنبه خدماتی دارد یا یکی از خواسته‌های انسان بدین وسیله تأمین می‌شود، مانند کارهای هنری، که این مشمول تعریف نمی‌شود. در جایی دیگر کار این گونه تعریف شده است: هر آنچه از شخص صادر گردد، یا آنچه شخص خود را به آن مشغول سازد، که در این تعریف اموری مانند فکر کردن دانشمندان و کارهای هنری داخل است. همچنین تولید کالا یا ارائه خدمات را که با حرکات بدنی انجام شود یا مقدمه انجام کارهای بدنی خاص و تنظیم و اداره آنها باشد کار گویند که در این تعریف مدیریت نیز داخل می‌شود. اما کارهای هنری و فکری از این تعریف خارج‌اند و در مقابل کار اقتصادی (بدنی) قرار می‌گیرند.

تعریف مورد نظر ما عبارت است از حاصل جمع تمامی فعالیت‌های فکری و فیزیکی انسان چه با قصد مزد و پاداش و چه بدون آن، در جهت خدمات مادی و معنوی یا تولید کالاهای مورد نیاز خود یا دیگران که شامل کار فیزیکی، فکری، مدیریتی، خدماتی، هنری، تجاری و مانند آن است.

کار در قرآن

کلمه «کار» فارسی است اما این مفهوم در قرآن با واژه‌های مختلفی به کار رفته است از جمله: فعل، عمل، کسب، شغل، صنع، جهد، سعی، کدح. این کلمات با مشتقات آنها علاوه بر موارد فراوان در روایات، در قرآن نیز بیش از ۶۰۰ بار به کار رفته است. در اینجا نمونه‌هایی از این آیات را مرور می‌کنیم:

- «وَأِنْ لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ» (مائده، آیه ۶۷)
- اگر این کار را نکنی و آن را تبلیغ نکنی در حکم کسی هستی که دین و رسالت الهی را به هیچ وجه تبلیغ نکرده‌ای.
- «أَنْتَى لَا أُصِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى» (آل عمران، آیه ۱۹۵)
- من کار هیچ عمل‌کننده‌ای از شما را، از مرد یا زن، تباه نکنم.
- «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ» (مدرثر، آیه ۳۸)

- هر کسی در گرو کاری است که کرده است.
- «إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ» (نور، آیه ۳۰)
 - خدا به کارهایی که می‌کنند آگاه است.
 - «وَ أَنْ سَعَيْهٖ سَوْفَ يُرَىٰ» (نجم، آیه ۴۰)
 - و به زودی کوشش او را به وی بنمایند.
 - «وَ مَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ» (عنکبوت، آیه ۶)
 - و هر که تلاش و جهاد کند جز این نیست که به سود خویش جهاد می‌کند، زیرا که خداوند از جهانیان بی‌نیاز است.
 - «إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ فَاكِهِونَ» (یس، آیه ۵۵)
 - همانا بهشتیان، امروز به خوشی و شادمانی سرگرم‌اند.
 - «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهٖ» (انشقاق، آیه ۶)
 - ای انسان، تو با تلاش و رنج به سوی پروردگارت می‌روی و او را ملاقات خواهی کرد.

تأثیرگذاری کار

۱. از دیدگاه مارکسیستها

اقتصاد مارکسیستی کارگر را به حاصل کارش مرتبط می‌سازد و معتقد است کارگر ارزش مبادله ماده را که به وسیله کار خویش آن را می‌سازد به وجود می‌آورد. با این ترتیب، ماده بدون کار انسانی که در آن متراکم است ارزشی ندارد و از آنجا که کار سرچشمه و اساس ارزش است لازم است توزیع ارزشهای تولیدشده نسبت به همه انواع مختلف ثروت، بر اساس کار باشد. بنابراین هر کارگری مالک حاصل کار خویش و مالک ماده ای است که کارش را روی آن مصرف کرده زیرا این ماده به سبب کار، ارزش پیدا کرده است. نتیجه اینکه هر کارگری حق دارد آنچه را که ارزش می‌آفریند تصاحب کند و چون تنها کار است که ارزشها را به وجود می‌آورد طبعاً فقط کار، وسیله توزیع خواهد بود.

به عبارت دیگر، به عقیدهٔ مارکسیسم همهٔ ارزشهای اقتصادی از راه کار به وجود می‌آید و سرمایه هیچ نقشی در ایجاد ارزش ندارد و آن را به کار مرده تعبیر می‌کنند؛ کاری که بی‌اثر است و مولد نیست. از این رو این مکتب، مکتب کار گفته می‌شود و از نظر انسانی نیز فلسفهٔ مارکسیسم، فلسفهٔ کار است چون منکر هر نوع امر فطری در انسان است و اعتقاد دارد کار انسان او را می‌سازد.

۲. از دیدگاه کاپیتالیستها

نظام سرمایه داری و کاپیتالیسم برخلاف مارکسیستها و حتی اومانیستها که در بحث کار و سازندگی انسان، افراط می‌کنند برای کار ارزش کم و ناچیزی قائل‌اند، بنابراین این نظام تلاش می‌کند نیروی کار کارگران را هرچه ارزان‌تر خریداری کند (مطهری: ۱۱۳). به همین دلیل تنها بخش کوچکی از ارزش تولیدشده به دست کارگران به آنها بازگردانده می‌شود و هدف از این دستمزد ناچیز، بازسازی نیروی کار آنهاست تا چرخهای نظام سرمایه‌داری از حرکت باز نماند.

به طور کلی کاپیتالیسم و سرمایه‌داری نظامی است که کار مرده را که سرمایه است بر کار زنده که کار کارگر است حاکمیت می‌بخشد. سرمایه‌دار به منظور کسب حداکثر سود و گسترش هرچه بیشتر سرمایه در گردش تلاش می‌کند تا آن بخش از ارزش تولیدشده را که به کارگران به صورت دستمزد تعلق می‌گیرد به حداقل ممکن کاهش دهد، زیرا هرچه این کاهش بیشتر باشد، افزایش در بخش ارزش افزوده برای سرمایه‌دار بیشتر می‌شود. این تقسیم نابرابر در حالی است که کل ارزش تولیدشده در روند تولید نتیجهٔ کار طاقت‌فرسای کارگران در بخشهای مختلف تولید است. بنابراین در بعد اقتصادی، این مکتب برای کار ارزش ناچیزی قائل است و در بعد انسانی نیز اعتقادی به سازندگی کار انسانی ندارد و انسان کارکننده را در ردیف ماشین یا دیگر ابزار کار و شخصیتش را نیز مانند برده برای کارفرما قرار می‌دهد.

۳. از دیدگاه اسلام

کار در بُعد اخلاقی و تربیتی

کار علاوه بر اینکه در دین اسلام امری مقدس است از نظر اخلاقی و تربیتی نیز بر فرد و جامعه تأثیر می‌گذارد و اگر در تربیت انسان و جامعه، از عوامل دیگر سازنده‌تر نباشد نقشش کمتر هم نیست. انسان سازنده کار است و کار نیز خالق و آفریننده چگونگی انسان است. انسان موجودی چندکانونی است؛ هم جسم دارد، هم عقل، هم دل، هم روح، هم قوه خیال و هم احساس. کار پدیده‌ای است که بر تمامی این جهات انسانی تأثیر می‌گذارد. این تأثیر بر جسم محسوس است؛ بدن انسان اگر کار نکند بیمار می‌شود یعنی کار یکی از عوامل سلامتی است. اما در رابطه با روح، روان، اخلاق و تربیت انسانی باید گفت، وقتی که فرد شغلی داشته باشد به سوی آن جذب می‌شود و مجال برای فکر و خیال باطل ندارد. بعضی از عرفا به نقل از امام علی(ع) گفته‌اند: «علیک بنفسک فان لم تشغلها شغلتک» (ثعالبی، ۱۴۱۸ق: ج ۵، ص ۴۳۷) یعنی اگر تو، نفس خودت را به کاری مشغول نکنی او تو را به خودش مشغول می‌کند.

شهید مطهری در *تعلیم و تربیت در اسلام* (ص ۴۱۵) به نقل از نویسنده‌ای می‌گوید: کار خلاف، غالباً انفجار است، مثل دیگ بخار که اگر آن را حرارت بدهند و هیچ منفذ و دریچه اطمینانی نداشته باشد بالاخره انفجار پیش می‌آید. ایشان می‌گوید: غالباً گناهان انفجار هستند. انسان منفجر می‌شود. منظور این است که انسان به حکم اینکه موجودی زنده است باید با طبیعت در حال مبادله باشد؛ از یک طرف نیرو و انرژی بگیرد و از طرف دیگر آن را مصرف کند. زبان انسان بالاخره باید حرفی بزند، چشم باید چیزی را ببیند، گوش باید صدایی را بشنود، دست و پا باید حرکتی کند، یعنی انسان نمی‌تواند مرتب از طبیعت انرژی بگیرد و بعد خود را نگه دارد و مصرف نکند. این مصرف نکردن مثل همان دیگ بخار بی‌منفذ است که مرتب حرارتش می‌دهند و بالاخره منفجر می‌شود. افرادی که به دلیل تعین مآبی یا به هر دلیل دیگر، در حالت بیکاری و عطلت به سر می‌برند، تمام وجودشان از نظر مصرف انرژیهای ذخیره‌شده در حالت تعطیل می‌ماند و درحالی که خودشان هم متوجه

نیستند نیروهای درون سعی می‌کنند به یک وسیله‌ای بیرون بیایند. اگر راه صحیح که همان کار کردن باشد، برایش وجود نداشته باشد از راه نامشروع بیرون می‌آید. می‌توان نتیجه‌گیری کرد که یکی از ثمرات کار، جلوگیری از گناه است، اگرچه نمی‌توان به طور قطعی گفت. امام علی(ع) می‌فرماید: «التَّوَانِي مِفْتَاحُ الْبُؤْسِ وَ الْعِجْزُ وَالْكَسَلُ تَوَلَّدَتِ الْفَاقَهُ وَ انْتَجَتِ الرِّهْلَكَه وَ مِنْ لَمْ يَطْلُبْ لَمْ يَجِدُوا فَضَى الَى الْفَسَادِ» یعنی سستی و تنبلی کلید غم و بدبختی است و با عجز و ناتوانی و تنبلی، نیازمندی و فقر همراه است و نتیجه آن هلاکت است و کسی که به دنبال کاری نرود طبعاً چیزی را به دست نمی‌آورد و در نتیجه به فساد کشیده می‌شود. نیز از آن حضرت نقل شده است که فرمودند: «ان یکن الشَّغْلُ مَجْهَدَةً فَاتَّصَلَ الْفَرَاغُ مَفْسَدَةً» اگر تن دادن به کار و شغل، مایه تلاش و زحمت باشد، ولی بیکاری پیوسته، فسادآور است. نیز از معارف دین استفاده می‌شود که کار بر قلب و دل آدمی تأثیرگذار است و از طرفی، بیکاری هم تأثیر منفی دارد. پیامبر اکرم(ص) در روایتی می‌فرماید: «البطالة تقسی القلب» یعنی بیکاری و تنبلی، قساوت قلب را به دنبال دارد (مشکینی: ۲۹).

کار و احساس شخصیت

از دیگر فواید کار و آثار آن اینکه شغل برای انسان موجب حفظ شخصیت می‌شود و بیکاری نتیجه‌اش احساس ذلت است. با کار، انسان نیاز خود و جامعه‌اش را رفع می‌کند ولی بیکاری موجب احساس نیاز به دیگران می‌شود. در شعری منسوب به علی(ع) آمده است که حضرت می‌فرماید: «يَقُولُ النَّاسُ انَّ لِي فِي الْكَسْبِ عَارٌ فَاِنَّ الْعَارَ فِي ذُلِّ السُّؤَالِ» (کراجکی: ج ۱، ص ۱۳۹) یعنی مردم به من می‌گویند که در کار و کسب ننگ و عار است ولی من می‌گویم که ننگ و عار این است که انسان از دیگران چیزی بخواهد. نیز می‌فرماید: «كُدَّ زَحْمَتِ الْبَكْشِيِّ وَ كَارِ كُنِي وَ نِيْزٌ «لَا تَقُلْ ذَا مَكْسَبٍ يُزِرِّي فَقَصْدُ النَّاسِ اَزْدِي اَنْتَ مَا اسْتَعْنَيْتَ عَن غَيْرِكَ اشْعَلِي النَّاسِ قَدْرًا» یعنی نگو این کار مرا پست می‌کند زیرا که از مردم طلب کردن و خواستن از هر چیزی بیشتر ذلت می‌آورد. وقتی که از دیگران بی‌نیاز باشی هر کاری

داشته باشی از همه مردم بلند قدرتر و آقا تر هستی.

در روایتی نقل شده است: «عن المعلی بن خنیس، قال: رأی ابوعبدالله الصادق(ع) و قد تأخرت عن السوق، فقال: اغد الی عزک» یعنی یکی از یاران امام صادق(ع) به نام معلی ابن خنیس که شغلش بازاری بود می گوید یک روز دیر به سراغ کار رفتیم، امام به من فرمودند اول صبح به سراغ عزت برو، یعنی کار و شغل موجب عزت آدمی است لذا اول صبح دنبالش برو (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۲، ص ۳). از امام کاظم(ع) نقل شده است: «عن هشام ابن احمر قال: کان ابوالحسن الکاظم(ع) یقول لمصادف: اغد الی عزک» یعنی رسم امام کاظم(ع) این بود که به هر شیعه‌ای که برخورد می کردند می فرمودند: اول صبح به دنبال عزت برو، یعنی کار (طباطبایی بروجردی: ج ۲۲، ص ۱۵۷).

کار و استعدادیابی

یکی دیگر از آثار کار را می توان کشف استعداد و ذوق دانست. با اشتغال به کار، انسان خود را می آزماید و استعدادهایش را کشف می کند، وقتی آن را کشف کرد ذوق و عشق عجیبی پیدا می کند و با عشق دنبال کار می رود و خلاقیت‌هایش شکوفا می شود. در روایات سخن از تجربه کردن و آثار آن به میان آمده است که وقتی کاری تجربه شد برای انسان نوعی عبرت می شود که بعداً همین را ادامه دهد یا نه. از امام علی(ع) نقل شده است: «التَّجْرِبَةُ ثَمَرُ الْعَتَبَارِ» یعنی نتیجه تجربه، عبرت گرفتن است (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶ش: ج ۷، ص ۴۲) و نیز: «ثَمَرَةُ التَّجْرِبَةِ حَسَنُ الْاِخْتِيَارِ» یعنی کار بهترین را اختیار کردن نتیجه تجربه است.

همچنین در بعد دینی و اعتقادی، کار انسان تأثیری فوق العاده در بازسازی دینی و اعتقادی او دارد. در روایتی از رسول خدا(ص) نقل شده: «کان رسول الله(ص) اذا نظر الی الرّجل فاعجبه قال: هل له حرفة؟ فان قالوا: لا، قال: سقط من عینی، قیل: و کیف ذاک یا رسول الله؟ قال: لأنّ المؤمن اذا لم یکن له حرفة، یعیش بدینه» یعنی پیامبر خدا(ص) هرگاه مردی را می دید که نظر مبارکش را جلب می کرد می فرمود: آیا این حرفه و شغلی دارد که

به وسیله آن امور زندگی‌اش را اداره کند، اگر می‌گفتند کار و شغلی ندارد، می‌فرمود: این مرد از چشم من افتاد، وقتی علت را جويا می‌شدند می‌فرمود: چون که مؤمن وقتی کار و شغل و حرفه‌ای نداشته باشد که زندگی‌اش را با آن اداره کند قطعاً با دین‌فروشی زندگی خواهد کرد (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۱۰، ص ۹). نیز از آن حضرت نقل شده که می‌فرمودند: «من لا معاش له، لا معاد له» (همان، ج ۶: ص ۲۹۵) یعنی کسی که زندگی مادی دنیوی را نداشته باشد که در حقیقت همان ابزار و وسایل و راهش همان کار کردن است، قطعاً معاد و قیامتش به خطر می‌افتد که در واقع همان وسیله و راه رسیدن به آخرت سالم است که همان دینداری در دنیا است و همچنین در روایتی از آن حضرت، فقر و محتاج بودن که معلول بیکاری است موجب کفر و بی‌دینی شمرده شده است «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا» (کلینی، ۱۳۶۵ش: ج ۲، ص ۳۰۷).

کار و ایجاد حق مالکیت

اثر کار در بخش مادی و اقتصادی آن است که فرد با کار نسبت به مواهب زمین و طبیعت حق مالکیت پیدا می‌کند. مالکیت حقیقی در اصل به خداوند متعال تعلق دارد و اوست که ملکیتش قراردادی و اعتباری نیست بلکه تکوینی است و او مالک همه هستی و تمام ذخایر گنجینه و سرمایه‌های جهان است. مالکیت‌های افراد بشر اعتباری است و خداوند متعال اذن تصرف را به افراد با شرایط خاص داده است.

کسانی که با کار و تلاش خود زمینی را آباد می‌کنند مالک منافع ایجادشده آن می‌شوند. کارگران و کشاورزان با کار خود چه در کشاورزی و چه در صنعت با تولید محصولات و کالاها از یک سو نیازهای مردم را برطرف می‌سازند و از سوی دیگر ایجاد درآمد می‌کنند، درآمدی که مصرف نشود و پس انداز شود ثروت را می‌سازد و مالکیت را در بخش‌های مختلف به وجود می‌آورد.

در همین زمینه از رسول خدا روایت شده است: «العباد عباد الله و البلاد بلاد الله فمن احيا من موات الارض شيئا فهو له» (فرید تنکابنی، ۱۳۷۴ش: ص ۴۲۳) تمامی بندگان، بندگان خداوند

و تمامی سرزمینها، سرزمینهای خداوند هستند، پس هر کس هر مقدار از زمین مرده‌ای را احیا و آباد نماید متعلق به اوست. از این روایت معلوم می‌شود که کار و تلاش، منشأ مالکیت و درآمد حاصل از زمین است. این کلام رسول خدا هم نوعی تشویق به عمران و آبادانی بر روی زمین و هم نوعی جلوگیری از تنبلی و بیکاری افراد است و چه زیباست در تأیید این کلام از گفتار حکیمانه علامه مطهری استفاده کنیم آنجا که به قرآن اشاره می‌کند: «هو أنشأکم من الأرض و استعمرکم فیها فاستغفروه» (هود، آیه ۶۱) اوست که شما را از زمین آفریده و از شما خواست که زمین را آباد کنید. پس از سرکشی بازگردید و توبه کنید و آمرزش گناهان خود را بخواهید.

در اینجا اولاً نفرموده «أنشأکم فی الأرض» یعنی نفرموده شما را در زمین آفرید، بلکه فرموده «أنشأکم من الأرض» یعنی شما را از زمین آفرید، شما را از شکم زمین بیرون آورد. مثل اینکه اشاره است به همان معنی که زمین مادر دوم شماسست. ثانیاً فرمود: «و استعمرکم فیها» از شما کار بر روی این زمین و عمران و آبادی این زمین را خواسته، یعنی بعد از خلقت انسان از زمین و خاک، تنها فرزند زمین بودن کافی نیست که حق انسان به فعلیت برسد و ذی‌حق بشود، چیز دیگر لازم است و آن کار و عمل و فعالیت و عمران و احیای زمین است. تا این تکلیف (که همان کار و تلاش و عمران و آبادانی زمین است) عملی نشود آن حق (که استفاده از نعمتهای زمین و وارث آن شدن و مالکیت است) به فعلیت نمی‌رسد و محرز و مفروض نمی‌شود.

جایگاه کار در نگظام آفرینش

در فرهنگ دینی ما کار آنچنان گرانقدر است که خدای متعال در آیات متعدد قرآن، کار آفرینش را در لحظه لحظه زمان، از آغاز تا بی‌نهایت آن به خود نسبت داده و وجود آدمی را با کار سرشته است تا با آن موجودیت خود را به اثبات رساند و چه زیباست که حیات آدمی بستر آزمایش عمل و کار است.

کار، جریان پویای زندگی، سرمایه سعادتی و نیکبختی، عامل تغییر طبیعت و توسعه

منابع آن برای تأمین نیازهای آدمی است. کار مهم‌ترین راه نشان دادن توان برتری آدمی بر همهٔ جریانها و تأکیدی است بر حیثیت انسانی او و آن‌قدر سازنده است که بعد از دین، هیچ مدرسه‌ای برای انسان بهتر از مدرسهٔ کار ساخته نشده است. متفکران اجتماعی، ریشهٔ تمامی مفاسد اخلاقی و فکری را بیکاری می‌دانند و معتقدند هر جامعه‌ای که بخواهد این عیب بزرگ اجتماعی را برطرف سازد باید برای مردم بستر کار شایسته فراهم سازد. کسانی که در دریای موج زندگی با کشتی کار و تلاش، خود را به امواج پر فراز و نشیب مشکلات و ناملايمات می‌زنند، از افسردگی، فقر و نیازمندی برکنار و از درد، رنج و بیماری در پناه کار مصون می‌مانند. انسانهای موفق تمام پیروزیهای زندگی را در اهمیت دادن به کار می‌دانند، خواه آن کار کوچک باشد یا بزرگ، مهم انجام شایستهٔ آن و مفید بودنش برای جامعه و احساس وظیفه نسبت به کار است. اینان ماندگارترین لذات زندگانی را دوست داشتن کار می‌دانند، که بیکار ماندن با زنده نبودن یکسان است، هرچه کار زیباتر و بهتر انجام گیرد، اهمیت آن بیشتر آشکار می‌شود و تبدیل به بزرگ‌ترین سرگرمی می‌شود. از نظر قرآن تنها چیزی که در جلب سعادت و شقاوت انسان دخالت دارد کار و عمل است، البته به شرطی که شایسته و دارای نیت سالم و ایمان به خدا و روز جزا باشد.

آثار کار در روایات

در فرمایشات رسول خدا(ص)، کار و تلاش برای بی‌نیازی از دیگران محبوب خداوند متعال معرفی می‌شود:

«قال(ص): انّ الله يحبّ العبد يتخذ المهنة ليستغنى بها عن الناس» (فیض کاشانی، ۱۳۶۳ش: ج ۳، ص ۱۴۰)

خداوند بنده‌ای را که در راه به دست آوردن روزی، خود را به زحمت می‌اندازد تا از دیگران بی‌نیاز شود دوست می‌دارد.

مولا علی(ع) در رابطه با کار تجارت می‌فرماید:

«تعرّضوا للتّجارات، فانّ لكم فیها غنی عمّا فی ایدی النّاس» (حکیمی، ۱۳۸۰ش: ج ۵، ص ۳۷۳)

به کارهای تجارت بپردازید، زیرا این کار شما را از آنچه که در دست مردم است بی‌نیاز می‌گرداند.

از عبدالاعلی، مولای آل سام روایت کرده که گفت: روزی تابستانی که هوا بسیار گرم بود در یکی از راه‌های مدینه به امام صادق(ع) برخوردیم. عرض کردم: فدایت شوم با آن وضعی که نزد خدای تعالی و قرابتی که نسبت به رسول خدا داری در مثل چنین روزی چرا خود را به زحمت می‌اندازی؟ فرمود: ای عبدالاعلی، به طلب رزق برخاسته‌ام تا از کسی مثل تو بی‌نیاز باشم (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ج ۱۰، ص ۲۶۵).

در روایات داریم که کار و تلاش در سلامت جسم نیز تأثیرگذار است. در همین زمینه انس از رسول خدا(ص) روایت می‌کند:

«العافیة عشرة اجزاء تسعة فی طلب المعیشة و جزء فی سایر الاشیاء» (متقی هندی، ۱۳۹۷ق: ج ۴، ص ۶)

تندرستی ده جزء دارد که نه‌تای آن تلاش در جهت به دست آوردن مخارج زندگی است و یک جزء آن در سایر چیزهاست.

در روایت داریم که کار موجب افزونی قوت و نیروی انسان است. امام علی می‌فرماید:

«من یعمل یزدد قوّة» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶ش: ۲۶۹)

کسی که کار کند قوت و نیرویش افزون می‌گردد.

یکی دیگر از نتایج اخروی کسب و کار، آمرزش گناهان انسان است. در روایتی رسول خدا به سخیه‌هایی که کارگران به هنگام کسب و کار می‌کشند می‌پردازد و چنین می‌فرماید:

«من بات کالاً من طلب الحلال بات مغفورا له» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۲، ص ۱۳)

کسی که شب را درحالی به صبح رساند که از کسب حلال خسته شده و در فکر کسب و کار حلال برای روز باشد گناهانش آمرزیده است.

در روایت دیگر، آن حضرت می‌فرماید:

«و من الذنوب، ذنوب لا یکفرها الا الهّم فی طلب المعیشة» (فیض کاشانی، ۱۳۶۳ش: ج ۳، ص ۱۳۹)

برخی از گناهان گناهانی هستند که فقط کار و تلاش و سختی کشیدن در جهت تأمین زندگی آن را از بین می‌برد.

قطب راوندی در دعوت از رسول الله چنین نقل کرده است:

«آنه قال: انه ليأتى الرجل منكم لا يكتب عليه سيئة وذلك انه مبتلى بالمعاش» (طباطبایی بروجردي: ج ۲۲، ص ۳۵)

روز قیامت مردی از شما را که هیچ گناهی بر او نوشته نشده است می آورند و این به خاطر این است که در دنیا جهت کسب روزی حلال کار کرده و سختی کشیده است.

در روایتی از آن حضرت نقل شده است که آمرزش بعضی از گناهان را فقط رنج و سختی

در جهت کسب مخارج زندگی از بین می برد:

«عن رسول الله (ص) انه قال ان من الذنوب ذنوبا لا يكفرها صلوة ولا صوم، قيل يارسول الله فما يكفرها؟ قال: الهموم في طلب الميثة» (همان: ۳۱۹)

از رسول خدا روایت شده است که آن حضرت فرمودند همانا در بین گناهان، گناهانی هستند که با نماز و روزه از بین نمی روند. عرض شد: یا رسول الله پس چه چیزی آن گناهان را پاک می کند؟ فرمودند: ناراحتیها و سختیهای که انسان در جهت کسب مخارج زندگی می کشد.

در روایتی دیگر از آن حضرت نقل شده است که فرمود:

«من اكل من كذب نظر الله اليه بالرحمة ثم لا يعذبه ابدا» (همان: ۱۶۹)

کسی که با کار و تلاش، از دسترنج خویش بهره مند شود مورد نظر رحمت خداوند قرار می گیرد و خداوند متعال هرگز او را عذاب نمی کند.

در روایتی رسول خدا فرموده اند:

«من اكل الحلال قام على رأسه ملك يستغفر له حتى يفرغ من اكله» (قمی، ۱۴۱۴ق: ج ۲، ص ۳۱۹)

هر کس از راه کار و کسب حلال غذا تهیه کند و بخورد فرشته ای بر بالای سر او می ایستد تا وقتی که خوردنش را تمام کند از خداوند برای او طلب بخشش می کند.

در روایتی آمده است زمانی که رسول خدا از جنگ تبوک باز می گشت سعد انصاری به

استقبال آن حضرت رفت و ایشان با او مصافحه کرد و سپس فرمود: چه چیزی باعث زبری

و پینه دست تو شده است؟ عرض کرد: ای رسول خدا، من با بیل در زمین سخت کار می کنم

تا اینکه مخارج زندگی خانواده ام را تأمین کنم. رسول خدا دست او را بوسید و فرمود: این

دستی است که آتش به آن نمی رسد (ابن اثیر: ج ۲، ص ۲۷۰).

از دیگر نتایج کار در دنیا، خشنودی خداوند در دنیا و آخرت است. در این زمینه پیامبر

خدا می‌فرمایند:

«من امسى وانیا من طلب الحلال بات مغفورا له و اصبح و الله عنه راض» (فیض کاشانی، ۱۳۶۳ش: ج ۳، ص ۲۰۵)

کسی که روزش را به پایان رساند در حال خستگی از کار و تلاش جهت به دست آوردن روزی حلال، آمرزیده می‌شود و در حالی صبح می‌کند که خداوند از او راضی و خشنود است.

یکی دیگر از نتایج بسیار درخشان کسب و کار، محشور شدن با انبیا و اولیای الهی است.

از پیامبر نقل شده است که فرمود:

«من كان فى مصر من الامصار، ىسعى على عياله فى عسرة او يسرة جاء يوم القيامة مع التّبين» (متقى هندی، ۱۳۹۷ق: ج ۱۶، ص ۲۸۳)

هر کس در هر شهری از شهرها که زندگی می‌کند اگر برای ادارهٔ مخارج خانوادهٔ خود چه در سختی و چه در آسانی، کار و تلاش کند روز قیامت با پیامبران محشور می‌شود.

در روایتی آن حضرت ارزش استفاده‌کننده از دسترنج کار خویش را در روز قیامت چنین

بیان می‌فرماید:

«من اكل من كدّ ىده كان يوم القيامة فى اعداد الانبياء و يأخذ ثواب الانبياء» (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۱۰۳، ص ۱۰)

کسی که از دسترنج خویش ارتزاق و استفاده نماید، در روز قیامت در صف پیامبران الهی قرار می‌گیرد و پاداشی نظیر آنها دریافت می‌کند.

در فرمایش آن حضرت، ارزش کار و کارگر به خوبی مشهود است و اجر و ثوابی نظیر

پاداش انبیا برای کارگر بیان می‌شود. در حدیثی، ابی‌هریره از رسول خدا چنین نقل می‌کند:

«من طلب مكسبة من باب حلال يكف بها وجهه عن مسألة الناس و ولده و عياله جاء يوم القيامة مع النّبين و الصّدّيقين» (متقى هندی، ۱۳۹۷ق: ج ۴، ص ۱۲)

کسی که به دنبال درآمدی از راه حلال باشد که او و خانواده و فرزندان را از دست به سوی مردم دراز کردن بازمی‌دارد روز قیامت با پیامبران و صدیقین همراه می‌شود.

همچنین در روایات داریم که انسانها در روز قیامت به فراخور اعمالشان مجاز هستند از

دری خاص وارد بهشت شوند اما بعضی هستند که از هر دری نخواهند می‌توانند وارد شوند.

از جمله آنان کارگرانی‌اند که در این دنیا با روشی صحیح و خداپسندانه به کار پرداخته و با



روزی حلال ارتزاق کرده‌اند. در همین زمینه رسول خدا می‌فرماید:

«من اکل من کذبه حلالاً فتح له ابواب الجنة یدخل من اَیها شاء» (طباطبایی بروجردی: ج ۲۲، ص ۱۷۹)

کسی که با کار و تلاش، از دسترنج حلال خود استفاده کند در قیامت در بهشت بر وی باز شده و از هر دری که خواست وارد می‌شود.

یکی از نتایج کار و تلاش در دنیا، هموار شدن راه عبور انسان از پل صراط در قیامت است. رسول اکرم می‌فرماید: «من اکل من کذبه مَرَّ عَلَی الصَّراطِ کَالْبَرْقِ الخاطف» کسی که با کار و تلاش از دسترنج حلال خود ارتزاق نماید در قیامت، برق‌آسا از پل صراط عبور می‌کند. گذر از صراط با سرعت افتخاری نیست که بشود آن را در این دنیا با چیزی معاوضه کرد.

در احادیث معصومان (ع) کسی که کار و تلاش می‌کند در روز قیامت در زیر سایهٔ عرش

الهی جای دارد:

«عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ص أَنَّهُ قَالَ تَحْتَ ظِلِّ الْعَرْشِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ رَجُلٌ خَرَجَ صَابِرًا فِي الْأَرْضِ يَطْلُبُ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ يَكْفُ بِهِ نَفْسَهُ وَ يَعُودُ عَلَى عِيَالِهِ» (نوری، ۱۴۰۸ق: ج ۱۳، ص ۱۲)

روز قیامت سایهٔ عرش الهی بر سر آن کسی قرار می‌گیرد که برای تأمین مخارج زندگی خود و عالی‌هاش از خانه خارج [شود] و با تکیه بر عنایت خداوندی در روی زمین به جست‌وجو و تلاش پردازد و به سوی خداوندش برگردد.

در روایتی جابر از ملاقات رسول خدا با حضرت زهرا (ع) چنین نقل می‌کند:

«ان رسول الله (ص) رأى على فاطمه (س) كساء من اوبار الابل و هي تطحن فبكي و قال (ص): يا فاطمه اصبري على مرارة الدنيا لنعيم الاخرة غدا (فیروز آبادی، ۱۳۸۲ش: ج ۳، ص ۱۶۷)

رسول خدا فاطمهٔ زهرا را در حالتی مشاهده فرمود که خود را با عبایی از کرک شتر پوشانیده بود و گندم آرد می‌کرد. آن حضرت گریه کرد و فرمود: ای فاطمه بر سختیهای دنیا به خاطر رسیدن به نعمتهای فراوان فردای قیامت صبر کن.

در احادیث معصومان وارد شده است، کسی که در دنیا اهل کسب و کار و تلاش حلال

باشد در قیامت چون ماه شب چهارده محشور می‌شود. رسول خدا چنین می‌فرماید:

«من طلب الرزق في الدنيا استغافاً عن الناس و توسيعاً على اهله و تعطفاً على جاره لقي الله عزوجل يوم القيامة و وجهه مثل القمر ليلة البدر» (فيض كاشانی، ۱۳۶۳ش: ج ۱۳، ص ۱۴۰)

هر کس از راه حلال روزی خود را در دنیا طلب کند و هدفش از کسب و کار، درخواست نکردن از مردم و گشایش بر خانواده و دلجویی و کمک به همسایه باشد، با چهره‌ای چون ماه شب چهارده (درخشنده و جذاب)، خداوند متعال را دیدار خواهد کرد.

از امام باقر(ع) نقل است که فرمودند:

«مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا اسْتِغْفَاً (اسْتِغْنَاءً) عَنِ النَّاسِ وَ سَعِيًّا عَلَىٰ اهْلِهِ وَ تَعَطُّفًا عَلَىٰ جَارِهِ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ وَجْهَهُ مِثْلَ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ» (حکیمی، ۱۳۸۰ش: ج ۳، ص ۱۶۲)

هر کس دنیا را بخواهد برای بی‌نیاز شدن از دیگران و کار و تلاش کند برای برطرف کردن نیازهای خود و خانواده‌اش و رسیدگی به همسایگانش، در قیامت خداوند را ملاقات خواهد کرد درحالی‌که صورت او مانند ماه شب چهارده نورانی است.

یکی دیگر از آثاری که اسلام برای کار قائل شده است هم‌ردیفی با جهاد در راه خداست.

رسول خدا در این زمینه می‌فرماید:

«الكاد على عياله كالمجاهد في سبيل الله» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۲، ص ۱۳)

کسی که در جهت تأمین نیازمندی‌های خانواده‌اش بکوشد مانند مجاهدی است که در راه خدا جهاد می‌کند.

در روایت دیگری ابن عساکر از عثمان چنین نقل می‌کند که رسول خدا فرمود:

«العترة في كد حلال على عيل محجور افضل عندالله من ضرب بسيف حولا كاملا لا يصف دما مع امام عادل» (متقی هندی، ۱۳۹۷ق: ج ۴، ص ۶)

تلاش و کوشش در جهت به دست آوردن روزی حلال برای خانواده نزد خداوند متعال از یک سال کامل شمشیر زدن و ریخته شدن خون به همراه امام عادل بافضیلت‌تر است.

همچنین در مورد کار برای تأمین روزی حلال ابن عمر می‌گوید که رسول خدا فرمود:

«طلب الحلال جهاد» (همان)

به دست آوردن روزی حلال جهاد در راه خداست.

در روایتی از رسول خدا آمده است:

«و من سعی في نفقة عياله و والديه فهو كالمجاهد في سبيل الله» (طباطبایی بروجردی:

ج ۲۲، ص ۳۷)

کسی که در جهت رفع نیازمندی‌های خانواده و پدر و مادرش تلاش کند مانند کسی است که در راه خدا جهاد می‌کند.

از امام علی نقل شده است:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَحِبُّ الْمُحْتَزِفَ الْأَمِينِ» (حکیمی، ۱۳۸۰ش: ج ۳، ص ۱۶۳)

خداوند انسان دارای شغل و حرفه را که امانتدار باشد دوست می‌دارد.

از همه مهم‌تر اینکه کسب و کار و طلب روزی حلال طبق نقلی از پیامبر بر همه واجب

است:

«طَلَبُ الْحَلَالِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ»

کسب حلال بر هر زن و مرد مسلمان واجب است.

در حدیث قدسی آمده که خداوند به پیامبر خطاب فرمود:

«يا احمد! إِنَّ الْعِبَادَةَ عَشْرَةٌ أَجْزَاءُ تِسْعَةٌ مِنْهَا طَلَبُ الْحَلَالِ فَإِذَا طَيَّبْتَ مَطْعَمَكَ وَ مَشْرَبَكَ

فانت في حفظ و كنفی» (قمی، ۱۴۱۴ق: ج ۲، ص ۳۳۰)

ای احمد! عبادت ده قسمت است که نه قسمت آن کسب حلال است پس هر گاه غذا و

نوشیدنی خود را پاک ساختی و از راه حلال به دست آوردی تو در حمایت من هستی.

امام باقر از رسول خدا در این زمینه نقل می‌فرماید:

«الْعِبَادَةُ سَبْعُونَ جُزْءًا أَفْضَلُهَا طَلَبُ الْحَلَالِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۲، ص ۱۱)

عبادت هفتاد جزء دارد که بافضیلت‌ترین آن کار و تلاش در جهت به دست آوردن روزی

حلال است.

در روایت دیگری آن حضرت کار و تلاش را بهترین عمل دانسته و چنین می‌فرماید:

«أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْكَسْبُ الْحَلَالِ» (متقی هندی، ۱۳۹۷ق: ج ۴، ص ۸)

بهترین اعمال کسب حلال است.

از دیگر آثار کار و تلاش برای حفظ کرامت انسانی، رسیدن به کمالات معنوی است.

رسول خدا در این باره می‌فرماید:

«نِعْمَ الْعَوْنُ عَلَى تَقْوَى اللَّهِ الْغَنَى» (نوری، ۱۴۰۸ق: ج ۲، ص ۴۱۵)

بی‌نیازی از دیگران (از راه کار و تلاش) کمک خوبی برای رسیدن به تقوای الهی است.

و در کلامی دیگر ایشان شخصی را که برای رفع نیاز دیگران کاری انجام می‌دهد مانند

عبادی می‌دانند که روزها روزه می‌گیرد و شبها شب‌زنده‌داری می‌کند:

«انَّ النَّبِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : السَّاعَى عَلَى الْأَرْمَلَةِ وَ الْمَسْكِينِ كَالْمَجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ كَالَّذِي يَقُومُ اللَّيْلَ وَ يَصُومُ النَّهَارَ» (قزوینی، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ص ۷۲۴)

کسی که تلاش می‌کند تا نیاز زنان بی‌سرپرست و نیازمندان را برطرف کند مانند مجاهد در راه خداست و همانند کسی است که شبها نماز می‌خواند و روزها روزه می‌گیرد.

با مروری بر تاریخ و سیره پیامبران الهی بر این حقیقت واقف می‌شویم که آن بزرگواران علاوه بر داشتن ایمان در سطح اعلا، به کارهای بدنی و اقتصادی نیز اشتغال داشته‌اند.

کتابنامه

قرآن کریم.

ابن اثیر، علی بن محمد. *اسد الغابة فی معرفة الصحابة*. تهران: اسماعیلیان.
 تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. ۱۳۶۶ش. *غرر الحکم*. دفتر تبلیغات.
 ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد. ۱۴۱۸ق. *جوهر الحسان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.

حر عاملی، محمدحسن بن علی. ۱۴۰۹ق. *وسایل الشیعه*. قم: مؤسسه آل البيت.
 حکیمی، محمدرضا. ۱۳۸۰ش. *الحیات*، ترجمه احمد آرام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
 داعی‌الاسلام، سیدمحمدعلی. ۱۳۶۳ش. *فرهنگ نظام*. تهران.
 دهخدا، علی اکبر. ۱۳۷۹ش. *لغت نامه*. تهران: دانشگاه تهران.
 راغب اصفهانی، حسین. *مفردات الفاظ القرآن*. قم: مکتبه المرتضویه.
 طباطبایی بروجردی، حسین. *جامع الاحادیث الفقهیه للشیعه الامامیه*. قم.
 طباطبایی، سیدمحمدحسین. ۱۳۷۴ش. *تفسیر المیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.

عمید، حسن. ۱۳۶۳ش. *فرهنگ عمید*. تهران: امیرکبیر.
 فرید تنکابنی، مرتضی. ۱۳۷۴ش. *زهج الفصاحه*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
 فیروزآبادی، مرتضی. ۱۳۸۲ش. *فضایل الخمسه من الصحاح السنه*. نشر مجمع جهانی اهل بیت.
 فیض کاشانی، ملامحسن. ۱۳۶۳ش. *المحجة البيضاء*. قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
 قرشی، شریف. *کار و حقوق کارگر*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 قزوینی، محمد بن یزید. ۱۳۹۵ق. *سنن ابن ماجه*، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.



قمی، عباس. ۱۴۱۴ق. سفینه البحار. قم: اسوه.

کراجکی، ابوالفتح. کنز الفوائد. قم: دارالذخائر.

کلینی، محمدبن یعقوب. ۱۳۶۵ش. اصول کافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

متقی هندی، علی بن حسام. ۱۳۹۷ق. کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، تصحیح صفوة السقا. بیروت: مكتبة التراث الاسلامی.

مجلسی، محمدباقر. ۱۴۰۴ق. بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار. بیروت: مؤسسه الوفاء.

مشکینی، میرزا علی. المواعظ العذیبه. قم: الهادی.

مطهری، مرتضی. نظری بر نظام اقتصادی اسلام. تهران: صدرا.

_____ . تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: صدرا.

معین، محمد. ۱۳۵۲ش. فرهنگ فارسی. تهران: امیرکبیر.

نقیسی، علی اکبر (ناظم الاطباء). ۱۳۴۳ش. فرهنگ نقیسی. تهران: افست مروی.

نوری، میرزا حسین. ۱۴۰۸ق. مستدرک الوسائل. قم: مؤسسه آل البيت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی





پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی